

# اخلاق تربیتی در آیات شریفه سوره حجرات

سارا فرتوت<sup>۱</sup>

## چکیده

شاید متناسب‌ترین سوره قرآن با سبک زندگی سوره حجرات باشد. در این سوره از جهات مختلف به آداب و عادات رفتاری پرداخته شده و نکات بسیار مهمی در باب رفتار مؤدبانه بیان شده است. اولین الگوی رفتاری صحیح که در سوره حجرات بیان شده، «ادب اطاعت» از خدا و پیغمبر (ص) است. می‌توان گفت: مهمترین عاملی که سبک زندگی را زیبا می‌کند ادب است و رعایت ادب و احترام خصوصاً در مقابل بزرگان جامعه و اولیاء الله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ادب، زندگی و بندگی انسان را زیبا، لذت‌بخش و جذاب می‌کند. سوره حجرات آداب و اخلاقی را بیان می‌کند که در سبک زندگی ما بسیار مؤثر است. زبان (سبک سخن گفتن) و لباس (سبک لباس پوشیدن) دو بخش بسیار مهم از سبک زندگی محسوب می‌شوند و در این سوره درباره «کنترل زبان» توصیه‌های بسیار جدی و مهمی بیان شده است از جمله؛ مسخره نکردن، عیب‌جویی نکردن، لقب بد ندادن و غیبت نکردن.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، سوره حجرات، فضائل، رذایل

---

<sup>۱</sup>. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه نورالهدی ماهدشت، کدپلگبی ۹۱۲۲۲۰۰۴۶۷

## مقدمه

علامه طباطبایی ذیل آیات این سوره می فرماید: این سوره مشتمل بر مسائلی از احکام دین است. احکامی که با آنها سعادت زندگی فردی انسان تکمیل می شود و نظام صالح و طیب در (مجتمع) مستقر می گردد. بعضی از آن مسائل ادب جمیلی است که باید بین بنده و خدای سبحان رعایت شود و پاره ای از آنها آدابی است که بندگان خدا باید در مورد رسول خدا (ص) رعایت کنند (که در آیات اول سوره ی حجرات به تعدادی از این آداب اشاره شده. بعضی دیگر از احکام مربوط به مسائلی است که مردم در برخورد با یکدیگر در زندگی خود باید آن را رعایت کنند. قسمتی دیگر مربوط به برتری هایی است که بعضی از افراد بر بعضی دیگر دارند و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه ی مدنی با آن منتظم می شود و انسان را به سوی زندگی توأم با سعادت و عیش پاک و گوارا هدایت می کند؛ و در آخر به حقیقت ایمان و اسلام اشاره شده است و بدین سان بر بشریت منت می گذارد که نور ایمان را به او افافه نموده است.<sup>۱</sup>

## مفهوم شناسی

تربیت در لغت نامه دهخدا به معنی آموختن، آگاهانیدن، کسی را چیزی آموختن، آموزانیدن و... آمده است.<sup>۲</sup> معنای تربیت در یک عبارت: روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود. کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود.

## توجه به مفهوم سلسله مراتب اجتماعی (جایگاه مخاطب)

آنچه که در وهله نخست، از آیات اول (آیات ۱ تا ۵) سوره حجرات قابل استنباط است،

---

<sup>۱</sup>. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۵۵

<sup>۲</sup>. علی اکبر دهخدا، فرهنگ نامه دهخدا

توجه به جایگاه افراد یا سلسله مراتب اجتماعی در جامعه اسلامی است. اگرچه آموزه ها یی که از این آیات استخراج می گردند، اختصاص به نحوه تعامل با رهبر جامعه دارد، اما، اغلب مفسرین این آموزه ها ی اخلاقی -اجتماعی را قابل تعمیم به کل ارتباطات موجود در جامعه می دانند.<sup>۱</sup> مراتب اجتماعی، می تواند در خانواده، پدر و مادر، در نظام تعلیم و تربیت، استاد و معلم و مواردی از این قبیل را شامل گردد.

### تقوا پشوانه عمل

خدای متعال پس از نهی از پیش گرفتن بر خدا و رسول، به تقوا به عنوان پشوانه عمل به اوامر الهی و ترک نواهی الهی سفارش می کند زیرا چنان که از معنی تقوا به دست می آید، تقوا انسان را از ارتکاب گناه و نافرمانی خدا حفظ می کند و پیشی گرفتن بر خداوند و پیامبر از مصادیق روشن گناه و نافرمانی خدای متعال و رسول گرامی اسلام است.

### رعایت ادب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید در برابر خدا و رسولش [در هیچ کاری] جلو نیفتید و از خدا بترسید بی گمان خدا شنوای داناست. در مورد این آیه چند شأن نزول گفته شده است. قرطبی نوشته است: «پیامبر خدا (ص) هنگام حرکت به سوی خیبر می خواست کسی را در مدینه نایب خود کند عمر بن خطاب فرد دیگری را پیشنهاد کرد. آیه ی فوق نازل شد و این عمل را پیشی گرفتن بر خدا و رسول معرفی کرد.»<sup>۳</sup> برخی گفته اند: عده ای از مسلمانان گاهی مراسم عبادی خود را قبل از وقت انجام می دادند این آیه آنان را از این کار نهی فرمود.

۱. محسن قرائتی، تفسیر سوره حجرات، ص ۲۵

۲. سوره حجرات، آیه ۱

۳. محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را فراتر از صدای پیامبر ص نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید آنگونه که بعضی از شما در برابر بعضی می‌کنند مبادا اعمال شما نابود شود در حالی که نمی‌دانید. درباره نزول این آیه گفته‌اند: گروهی از طایفه بنی تمیم وارد مدینه شدند و در داخل مسجد با صدای بلند پشت حجره‌هایی که منزلگاه پیامبر اکرم (ص) بود، فریاد می‌زدند: یا محمد اخرج الینا: ای محمد بیرون بیا! این گونه صدا زدن‌ها و خطاب‌های خلاف ادب، پیامبر را آزرده می‌ساخت. وقتی آن حضرت وارد مسجد شد آنان گفتند: آمده‌ایم تا با تو مفاخره کنیم. اجازه دهید تا شاعر و خطیب، افتخارات قبیله بنی تمیم را بازگو کند و پیامبر اجازه داد. پس از پایان سخنان خطیب قوم، پیامبر از ثابت بن قیس خواست تا پاسخ آنان را بدهد. خطبه ثابت بر آن‌ها فایق آمد. آن گاه شاعران طرفین شعرهای خود را خواندند. در این هنگام یکی از اشراف بنی تمیم به نام اقرع گفت: این مرد (پیامبر) بر ما پیروز است. پیامبر اکرم برای جلب نظر آن‌ها هدیه‌هایی به آنان داد، آن‌ها نیز به پیامبری آن حضرت اقرار کردند.<sup>۲</sup>

منظور از اینکه می‌فرماید: صدای خود را بلند تر از صدای رسول الله مکنید، این است که وقتی با آن جناب صحبت می‌کنید، صدایتان بلندتر از صدای آن جناب نباشد، چون به طوری که گفته‌اند، دو عیب در این عمل است: یا منظور شخصی که صدای خود را بلند می‌کند این است که توهین به آن جناب کرده باشد، که این کفر است؛ و یا منظوری ندارد و تنها شخص بی ادب است که رعایت مقام آن جناب را نمی‌کند، و این خلاف دستور است؛ چون مسلمانان دستور دادند آن جناب را احترام و تعظیم کنند.<sup>۳</sup> می‌فرماید: «و لا تهجروا له بالقول كجهر بعضكم لبعض» با آن جناب آن طور که با یکدیگر صحبت می‌کنید داد و فریاد مکنید، چون رعایت احترام و تعظیم آن

<sup>۱</sup>. سوره حجرات، آیه ۲

<sup>۲</sup>. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۱۵

<sup>۳</sup>. همان، ص ۱۳۰

جناب اقتضاء دارد در هنگام مخاطب گوینده صدایش کوتاه‌تر از صدای آن حضرت باشد. پس به طور کلی، با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است، و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن نظیر مردم عادی، خالی از اسائه ادب و وقاحت نیست.<sup>۱</sup>

«ولا تجهروا له بالقول كجهر بعضكم لبعض» او را با اسم صدا نزنید بگویند یا محمد یا احمد چنانچه یکدیگر را صدا می‌زنید بلکه با یا رسول الله، یا خیره الله یا صفی الله و امثال این‌ها، آن هم به فریاد و جهر صورت نباشد بلکه مطلقاً مذموم است.<sup>۲</sup> «أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» به صدای بلند سخن می‌گویید تا اعمال شما حبط نشود؛ و این جمله متعلق به هر دو نهی است، معنایش این است که اگر گفتیم به روی آن جناب فریاد تریند و اینکه گفتیم به صدای بلند صحبت نکنید، آن طور که در بین خود صحبت می‌کنید برای این است که اعمالتان به این وسیله و ندانسته باطل نشود، (چون این دو عمل باعث حبط و بطلان اعمال صالح است).<sup>۳</sup>

### ثمره صلح تقوای الهی

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۴</sup> (مؤمنان برادر یکدیگرند بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید). این آیه شریفه فقط مخصوص مردان نیست چون در ادبیات عرب هنجار کلامی صیغه مذکر است، مذکر آورده‌اند و گر نه این خطاب به همه مؤمنین اعم از مرد و زن است. معنای اخ و اخوت در لغت اشاره به «شباهت و هم نظیر بودن» دارد. شأن مؤمنان این است که دل‌هایشان به هم نزدیک، پیوسته دست در دست هم، بدون تفرقه و بدون نفرت از یکدیگر موجب تقویت و

<sup>۱</sup>. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۵۸

<sup>۲</sup>. عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۲

<sup>۳</sup>. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۵۹

<sup>۴</sup>. سوره حجرات، آیه ۱۰

آبرو و اعتبار انسان‌ها در قرآن بسیار مهم است و به هیچ انسانی نمی‌تواند حرمت دیگران و حیثیت دیگران را مورد خدشه قرار دهد. هر چه این انسان در نزد پروردگار رفیع‌تر باشد عرض و آبرو و اعتبارش بیشتر است.

### **به لقب زشت یکدیگر را نخوانید**

آیه ۱۱ ما را از طعنه زدن و عیب جویی منع کرده است که از توصیف کردن یا نامگذاری مردم با لقب‌های زشت منع کرده است. مثلاً بدین صورت که شخص در گذشته صاحب اعمال زشتی بوده است و اینک در جمع مؤمنان قرار گرفته است و حالا کسی او را به عنوان فاسق و یا صفت‌های زشت دیگر توصیف کند. این عمل را تنابز به القاب گویند.<sup>۱</sup>

مانع ارتباطی دیگری که سوره حجرات به آن اشاره می‌کند مخاطب قرار دادن فرد با القاب زشت است. کلمه "نبز" به فتح حرف اول و دوم -به معنای لقب است و به طوری که گفته اند اختصاص دارد به لقب‌های زشت. پس "ولاتنابزوا" در آیه ۱۱ سوره حجرات که باب تفاعل و طرفینی است، به معنای این است که مسلمانان نباید به یکدیگر لقب زشت از قبیل فاسق، سفیه و امثال آن بدهند.<sup>۲</sup>

### **پس از گناه، توبه واجب است**

«بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ» بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان، نام فسق بگذارید. «مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و کسانی که از این عمل زشت و تفرقه افکن دست بر ندارند و توبه نکنند بی‌تردید ستمگرند.

---

<sup>۱</sup>. حسین خزائی نیشابوری، تفسیر شیخ ابولفتح فخر رازی، ج ۳۲، ص ۹۲

<sup>۲</sup>. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۲

## چه سوء ظنی حرام است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که پاره ای از گمان‌ها گناه است، و [در کار دیگران] تجسس نکنید و کسی از شما غیبت دیگری نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ [بی شک از] آن کراهت دارید، و از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و مهربان است.

### ظن و گمان چهار قسم است :

- ۱- ظن مأمور به: و آن حسن ظن به خدا و رسول و مؤمنین است قوله تعالى: (لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خيرا)<sup>۲</sup> و در حدیث است (ان حسن الظن من الايمان)
- ۲- ظن حرام : و آن گمان بد است به خدا و مؤمنین که باعث گناه و مثر عقوبت است
- ۳- ظن مستحب: که در احکام و فروع فقهیه بکار می‌برند
- ۴- ظن مباح: و آن ظن در امور دنیا و مهمات آن و در این صورت بد گمانی موجب سلامتی است و سبب نظم امور دنیوی این است که این قسم را از قبیل حرام نشمرده‌اند بلکه آنرا از حزم و احتیاط بشمار آورده‌اند و در حدیث است که (الحزم سوء الظن)<sup>۳</sup>

مراد از اجتناب از ظن در آیه ۱۲ سوره حجرات اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود ادراک نفسانی است و ناگهان ظنی به ذهن وارد می شود و آدمی نمی تواند از ورود ظن اعم از خوب یا بد جلوگیری کند، پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست . مگر آنکه از پاره ای از مقدمات اختیاری آن نهی کند . پس منظور آیه مورد

---

<sup>۱</sup>.سوره حجرات، آیه ۱۲

<sup>۲</sup>. سوره نور، آیه ۱۲

<sup>۳</sup>. سیده نصرت بیگم امین ، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن ، ج ۶، ص ۲۴۹

بحث، نهی از پذیرفتن ظن بد است، چرا که ظن خوب مقبول است. لذا خداوند می خواهد بفرماید اگر در باره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مد. بنابراین، پس اینکه فرمود بعضی از ظن ها گناه است، باز خود ظن را نمی گوید، چون ظن به تنهایی چه خوبش و چه بدش گناه نیست، برای اینکه گفتیم اختیاری نیست، بلکه ترتیب اثر دادن به آن است که در بعضی موارد گناه است.<sup>۱</sup>

### فقط خدا از ایمان شما آگاه است

«قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> (بگو: آیا خدا را از ایمان خود با خبر می سازید، او تمام آنچه را در آسمان و زمین است می داند، و خداوند از همه چیز آگاه است..). جمعی از مفسران گفته اند که بعد از نزول آیات گذشته گروهی از اعراب خدمت پیامبر (ص) آمدند و سوگند یاد کردند که در ادعای ایمان صادقند و ظاهر و باطن آنها یکی است. این آیه نازل شد و به آنها اخطار کرد که نیازی به سوگند خوردن ندارد خداوند درون و برون همه را می داند.<sup>۳</sup>

### ریا و ظاهر سازی با خدا

«قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ» آیا می خواهید دین داریتان را به خدا بفهمانید؟<sup>۴</sup> بفرما آیا شما دین خود را تعلیم خدا می کنید و حال آنکه خدا می داند آنچه در آسمان ها و زمین است و خداوند به هر چیزی داناست علم او عین ذات اوست. به همین دلیل علمش ازلی و ابدی است.<sup>۵</sup>

---

۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۳

۲. سوره حجرات، آیه ۱۶

۳. محمدحسین طباطبایی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۱۵

۴. عبدالحسین دستغیب، آدابی از قرآن تفسیر سوره حجرات، ص ۳۸۳

۵. عبدالحسین طیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۳۴

## نتیجه گیری

انسان موقعی می تواند از سوء ظن، غیبت، بدگمانی، تجسس، لقب زشت دادن به دیگران اجتناب کند که قلب خود را از عداوت و کینه و حسد پاک گرداند و آماده عشق و محبت باشد. تا دوستی و مودت جایگزین دشمنی و عداوت نگردد، دستورات اخلاقی توصیه شده، عملی نمی گردد. در آیات متعددی از این سوره «رحیم» بودن خداوند بیان شده است تا احساس و عاطفه انسان را برای عفو و گذشت و محبت به دیگران آماده کند. اگر انسان رحمت و مغفرت الهی را نسبت به گناهی که کرده آرزومند باشد خود نیز راحت تر از گناه دیگران چشم پوشی می کند. به امید آنکه فرد فرد ما بتوانیم این نکات اخلاقی آموزنده را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم تا بدین وسیله برای مراحل بالاتر آمادگی لازم را کسب کنیم.

## فهرست منابع

۱. الانصاری القرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، بی چا، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق
۲. بانو مجتهدہ امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی چا، اصفهان، چاپ محمدی، ۱۳۴۴ ش
۳. خزائی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد، تفسیر شیخ ابولفتوح رازی، بی چا، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ ش
۴. دستغیب، سید عبدالحسین، آدابی از قرآن تفسیر سوره حجرات، چاپ اول، شیراز، انتشارات کتابخانه مسجد جامع عتیق شیراز، ۱۳۵۷ ش
۵. طباطبائی، سید محد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، حجه الاسلام موسوی همدانی، بی چا، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقران، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش
۷. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش
۸. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجه البیضا فی تهذیب الاحیاء، بی چا، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ق
۹. قرائتی، محسن، تفسیر سوره حجرات. تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیستم، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش